

سفرنامه

گلگشت در وطن

ایرج افشار

گردآوری: بابک، بهرام، کوشیار، آرش



نشر اختران

افشار، ایرج، ۱۳۰۴ -
سفرنامه‌چه (گلگشت در وطن) / ایرج افشار. - تهران: اختران، ۱۳۸۳.
ISBN 964-7514-55-7
۶۵۶ ص.
نمایه: ۶۵۲، ۶۰۹
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. ایران -- سیر و سیاحت -- قرن ۱۴-۲. سفرنامه‌های ایرانی. الف. عنوان.
۷ ص ۷ الف / DSR۱۶۶۵
کتابخانه ملی ایران
۸۳ - ۴۶۰۸ م



نشر اختران

سفرنامه‌چه (گلگشت در وطن)

نویسنده: ایرج افشار
طرح جلد: ابراهیم حقیقی
چاپ اول ۱۳۸۴
شماره نشر ۶۶
شمارگان ۲۰۰۰ نسخه
چاپ فرشیوه

تلفاکس: ۶۴۱۰۳۲۵ - تلفن کتاب‌فروشی: ۶۴۱۱۴۲۹ - ۶۹۵۳۰۷۱

<http://www.akhtaranbook.com>

E-mail: info@akhtaranbook.com

ISBN 964-7514-55-7

شابک: ۹۶۴-۷۵۱۴-۵۵-۷

کلیه حقوق برای نشر اختران محفوظ است

فهرست مندرجات

بخش نخست

۱. سفر پیچاپیچ تا پیفانج (غرب ۲) - بهار ۱۳۷۸ ۹
۲. سفر در «جبال» (غرب ۱) - بهار ۱۳۷۸ ۲۹
۳. اقلیم پارس، قند مکرر - زمستان ۱۳۷۷ ۴۳
۴. چرخ دیگر در خراسان - پائیز ۱۳۷۷ ۶۷
۵. کردکوی کجا و کردشول کجا - بهار ۱۳۷۷ ۱۰۵
۶. بیدر کجا به شوق تنگ غرقاب - پائیز ۱۳۷۶ ۱۳۱
۷. طواف شاه جهان - بهار ۱۳۷۶ ۱۴۳
۸. ناکجا آباد، تا دل پارس - نوروز ۱۳۷۶ ۱۴۹
۹. زادگاه رستم - زمستان ۱۳۷۵ ۱۶۹
۱۰. از سرخس به آزادوار - پائیز ۱۳۷۵ ۱۷۵
۱۱. جاجرم و فریومد، از راهی دیگر - بهار ۱۳۷۵ ۱۸۹
۱۲. حلقه ابرقویه، جرقویه - نوروز ۱۳۷۵ ۲۰۹
۱۳. از فیروزکوه تا جاجرم - بهار ۱۳۷۴ ۲۲۹
۱۴. از باغ پسته تا کوی نارنج - بهار ۱۳۷۱ ۲۴۱
۱۵. میان الویر و الوند - بهار ۱۳۶۹ ۲۶۹
۱۶. طواف سهند - پائیز ۱۳۶۷ ۲۷۹
۱۷. از نوشهر به خراسان و کرمان - پائیز ۱۳۶۶ ۲۹۱
۱۸. از دریا بار خلیج فارس به درون اقلیم پارس - پائیز ۱۳۶۵ ۳۰۹
۱۹. کاشان، آران و نطنز - نوروز ۱۳۵۷ ۳۸۱
۲۰. گویان گویان تا اسفراین و جوين - ۱۳۵۶ ۳۹۱
۲۱. اطلال پارس - نوروز ۱۳۵۵ ۳۹۷
۲۲. یاران در شیراز - بهار ۱۳۴۹ ۴۲۷
۲۳. هفت بند سفر مشهد - نوروز ۱۳۴۸ ۴۳۹
۲۴. گشتی در خاک یزد - نوروز ۱۳۴۶ ۴۴۵

۴۶۹	۲۵. بیست شهر و هزار فرسنگ - نوروز ۱۳۴۵
۵۰۷	۲۶. شبهای زندان سکندر - بهار ۱۳۴۳
۵۱۵	۲۷. قم به بم - ۱۳۴۲
۵۲۵	۲۸. کرمان و سیستان - پائیز ۱۳۳۳

بخش دوم

مرقعات سفر

پاره پاره از سفرهای دیگر - درهم برهم

۵۴۷	قم - دلیجان - خورمه - محلات
۵۵۰	کوه گیلویه
۵۵۲	اسفراین
۵۵۴	نهاوند
۵۵۵	ماه نشان - بهستان
۵۵۷	گنبد، چهارطاقی
۵۵۸	اسپی مزگت - خدا آفرین
۵۵۹	قهرود - دهق - اردکان
۵۵۹	میدانک لورا
۵۶۱	سفر بهار ۱۳۷۳
۵۶۱	سفر تابستان ۱۳۷۵
۵۶۲	سفر آبان ۱۳۷۹
۵۶۲	کرمانشاه - خرم آباد - دزفول - ایذه
۵۷۵	سفر پائیز ۱۳۶۸ (فارس)
۵۷۰	سفر تیر ۱۳۶۸
۵۷۰	سفر پائیز ۱۳۶۸ (فارس)
۵۷۱	کرمان



۵۷۳	گار و زیار (اصفهان)
۵۷۵	مصاحبه: آرزوی کوه و بیابان
۵۸۹	خاطره: در راه کاشان

یادداشت

هر روز به منزلی و هر شب جایی

✽

سفر کرده و صحبت آموخته (سعدی)

✽

دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت پس

(حافظ)

نوشته‌هایی که درین اوراق به دو بارگی چاپ می‌شود متن چند سفرنامه است از مسافرت‌های دور و دراز در سرزمینی که فریفته‌آئم، یعنی وطنم.

نام کتاب تا اندازه‌ای گویای نوشته‌های درون آن است. با تورّقی هم که بفرمائید روشن می‌شود که نویسنده چرا به نوشتن یادداشت‌هایی از چند سفر مربوط به وطن پرداخته است. این نوشته‌ها در سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۸۱ نوشته شده است. بی‌گمان روش نگارش نوشته‌های خام سفر نخستین، دگرگونه است با آن چه در سال‌های سپس‌تر به کلک شکسته پریشیده بر کاغذ آورده شده است.

نوشته‌ها درین مجموعه به نظم تاریخی ولی معکوس است. بدین معنی که شما آخرین سفرنامه را نخست می‌خوانید و نخستین را در پایان. در اندیشه بسته خود این گونه همبستگی را مناسب دیدم. دلم خواسته است که در آغاز نوشته تازه‌ترم را که از روزگار پیرانه سری است بخوانید و به تدریج به گذشته برسید.

برای من چنین پیش آمده است که سفر بسیار کرده‌ام، چه در ایران و چه در انیران (در هفت اقلیم قدما و پنج قاره واقعی). سفرها گونه‌گون بوده‌اند: آموزشی، پژوهشی، رسمی، بازدیدی، خانوادگی و بالاخره تفرّجی. ولی آن چه از سفرهای وطنی خود

نوشته‌ام منحصرأً دربارهٔ برخی از سفرهای تفرّجی دامنه‌دار است. دربارهٔ سفرهای انیرانی هم نوشته‌هایی دارم که در مجموعه‌های «سواد و بیاض» و «بیاض سفر» چاپ کرده‌ام. برخی هم در مجله‌های یغما و آینده دیده می‌شوند.



سفرنامه‌نویسی در زبان فارسی پیشینه‌ای از عصر ناصرخسرو قبادیانی دارد. آن سفرنامه همچون دماوند مرتفع و شاهکارست. طبعاً سفرنامه‌های پس از آن در کنار آن ستیغ خمیده‌سرنند. ولی همهٔ سفرنامه‌های فارسی نبشت ارزشمندند و در برگیرندهٔ آگاهی‌های دلپذیر و نکته‌یابانه. من به سفرنامه‌های ایرانی با دیدهٔ تکریم نگرسته‌ام و اکثر آنها را دیده‌ام. مقاله‌ای هم که بیش‌تر کتابشناسیانه است در آن موضوع نوشته‌ام که در جشن‌نامهٔ شادروان دکتر ذبیح‌الله صفا چاپ شده است.

من با این نوشتهٔ کراچکوفسکی روس (دانشمند کم مانند) هماهنگی نظری ندارم که نوشته است: «در سفرنامه‌های مسلمانان یافتن چیزی نظیر آن که در آثار ادبی [قدیم] اقوام دیگر هست دشوارست.» در حالی که از نوشته‌ها و سروده‌های قدما دربارهٔ سفر اطلاعات بسیاری می‌توان گردآورد. جای حسرت است که هنوز پژوهشی همه‌جانبه دربارهٔ سفر نشده است. غربت - فراق - سختی راه - گرانی عقبه - ریگ روان - نایابی آب - شتر - محمل - جرس - چاوش - کجاوه - پالکی و جزین‌ها هر یک به جای خود یادآور دشواریهای پدرانمان در سفر کردن است، نه آن که امروز با هواپیما به یک روز از قاره‌ای به قارهٔ دیگر می‌رویم و رنجی نمی‌بریم مگر به دست آوردن پاسپورت و گذر از معبرهای الکترونیکی و خشم گزمه و جنجال فرودگاه‌ها و... و قدما حسابشان «منزل» بود. می‌گفتند «منزل به منزل طی مراحل». مرادشان از منزل حدود (شش فرسنگ یا سی تا چهل کیلومتر) بود که در یک روز بیش‌تر قدرت راه‌پیمایی نیست. دکتر ریچارد فرای به من گفت که در پیمودن میان زابل و فراه از بوم‌نشینان منطقه در سال‌های ۳۰-۱۳۲۹ - شنیده بود که اصطلاح «رباط» را به کار می‌گرفته‌اند و می‌گفته‌اند که از این شهر تا آن شهر به‌طور مثال سه رباط راه است. در حقیقت مرادشان همان منزل بوده است.

شعر دربارهٔ سفر بسیار است. شاید در زبان فارسی کمتر شاعری باشد که در مضمون‌های مربوط به سفر سرایشی نداشته باشد. این ابیات نمونه‌هایی است از آنها: سفر خوش است کسی را که با مراد بود اگر سراسر کوه و پز آیدش در پیش بوطاهر خسروانی